

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی :

باید به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر برویم

۱۱۸ تومان در هر کیلووات. در حالی که با قیمت بیشتری آن را به مردم و صنایع می‌فروشد و اجازه نمی‌دهد نیروگاه‌داران خود به‌صورت مستقیم برق تولیدی را عرضه کنند. از سویی در سالیان اخیر به دلیل کسری بودجه دولت هیچ زیرساختی ایجاد نکرده و با اقتصاد دستوری نیز اجازه نداده بخش خصوصی در این حوزه ورود کند. طبعاً ادامه این وضعیت می‌تواند اوضاع وخیم‌تری را در آینده رقم بزند.

• **پیشنهاد مشخص شما در این باره چیست؟**
اینکه حداقل در بخش صنایع، نیروگاه‌داران محصول تولیدی خود را به قیمت رقابتی به صنایع بفروشند و ملزم به توسعه زیرساخت‌ها و احداث نیروگاه‌های جدید شوند. در این زمینه دولت می‌تواند درآمد خود را نیز داشته باشد. به شرط اینکه دست از تصدی‌گری برداشته و اجازه حضور به بخش خصوصی را بدهد.

• **چرا طی این سال‌ها به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر توجه نشده است؟**

در حال حاضر، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق کشور تنها حدود یک درصد معادل ۸۰۰ مگاوات از کل ظرفیت تولید برق است. این رقم در مقایسه با متوسط جهانی که بیش از ۱۷ درصد است، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. ایران با وجود ظرفیت‌های فوق‌العاده در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، از جمله ۳۰۰ روز آفتابی در سال و مناطقی در حاشیه دریای خزر با تشعشعات خورشیدی حتی بالاتر از آلمان، همچنان نتوانسته بهره‌برداری قابل‌توجهی از این منابع داشته باشد.

• **دلیل این موضوع چیست؟**
یکی از دلایل اصلی عدم حرکت به سمت استفاده گسترده از انرژی‌های تجدیدپذیر، ارزان و در دسترس بودن انرژی‌های فسیلی در کشور به حساب می‌آید. باید این روند با توجه به ناترازی‌های اخیر مورد بازنگری قرار گرفته و توسعه زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله خورشیدی و بادی صورت پذیرد. این درحالی است که در کشورمان ظرفیت بالقوه تولید برق از طریق منابع خورشیدی و بادی به حدود ۹۰ هزار مگاوات در روز می‌رسد. برای بهره‌برداری از این ظرفیت، توسعه زیرساخت‌ها ضرورت دارد. تخمین زده می‌شود که سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تحقق این امر حدود ۹۰ میلیارد یورو باشد. این ظرفیت بزرگی است که پیش روی ما قرار دارد. حال باید دید در این زمینه چه اقداماتی در عمل صورت می‌گیرد.



رقابتی شود و سرمایه‌گذاران این امکان را داشته باشند تا برق تولیدی خود را بر اساس مکانیسم بازار به مشترکان به‌خصوص صنایع عرضه کنند، وضعیت فعلی به سوی بهبود سوق پیدا می‌کند.

• **راهکار این موضوع چیست؟**
راهکار کاملاً مشخص است؛ حرکت به سمت قیمت‌گذاری مبتنی بر عرضه و تقاضا. این مسئله تأثیرات مثبتی بر صنعت برق می‌گذارد از جمله اینکه قیمت‌های واقعی، اطمینان بیشتری به سرمایه‌گذاران برای بازگشت سرمایه می‌دهد و انگیزه ایجاد نیروگاه‌های جدید تقویت قرار می‌شود. کشف قیمت واقعی برق، امکان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند باد و خورشید را فراهم و به تنوع‌بخشی در منابع تولید برق کمک می‌کند. از سویی بازار رقابتی، تولیدکنندگان را به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها سوق می‌دهد. به بیان دیگر، حذف قیمت‌گذاری دستوری و حرکت به سمت کشف قیمت بر اساس عرضه و تقاضا، گامی اساسی در راستای توسعه پایدار صنعت برق است. این تغییر تنها به افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های تولید برق کمک می‌کند، بلکه با مدیریت بهتر منابع و اصلاح الگوی مصرف، می‌تواند ناترازی‌ها را نیز از بین ببرد.

• **در حال حاضر دولت هر کیلووات برق را به چه قیمتی از نیروگاه‌داران می‌خرد؟**

نظیر تعیین قیمت کالاها و خدمات، توزیع منابع و حتی صادرات و واردات، به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش کیفیت خدمات منجر می‌شود.

• **دولت در این باره چه مسیری را باید در پیش بگیرد؟**
دولت باید به جای تصدی‌گری، نقش تسهیل‌کننده داشته باشد. ساده‌سازی قوانین و مقررات کسب‌وکار، حذف موانع اداری و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری از جمله اقداماتی است که شرایط را برای فعالیت بهتر بخش خصوصی فراهم می‌آورد. فعالان اقتصادی نیازمند فضای اند که در آن امکان رقابت منصفانه وجود داشته باشد و دولت به جای ورود به بازار، بر شفافیت و نظارت دقیق متمرکز شود.

• **به قیمت‌گذاری دستوری در صنعت برق اشاره کردید؛ این موضوع چه تأثیری بر خاموشی‌های چندسال اخیر گذاشته است؟**

قیمت‌گذاری دستوری انگیزه سرمایه‌گذاران را برای احداث نیروگاه‌های جدید یا توسعه نیروگاه‌های موجود کاهش داده است. در چنین شرایطی منابع مالی ناکافی موجب شده بسیاری از نیروگاه‌ها نتوانند تجهیزات خود را به‌روزرسانی کنند که این امر بهره‌وری را کاهش داده و موجب افزایش خاموشی‌ها شد. به نوعی فرسودگی شبکه تولید و توزیع نیز مزید بر علت شده تا خاموشی‌ها ادامه یابد. این درحالی است که اگر فضا در صنعت برق



گفت‌وگو
ناترازی در تولید و مصرف برق در کشور چندسالی است که رخ داده و باعث خاموشی‌های گاه و بیگاه شده است. در چنین شرایطی دولت اعلام کرده به دلیل اهمیت حفظ سلامت مردم، مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها را تعطیل می‌کند اما به دلیل مدیریت شبکه توزیع برق، خاموشی‌های از قبل برنامه‌ریزی شده اعمال می‌شود. در چنین شرایطی دلایل رخ دادن ناترازی انرژی در کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این رابطه حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «آتی‌نو» به بررسی این مسئله پرداخت.

با توجه به توقف مازوت‌سوزی شاهد قطع برق بخش خانگی هستیم، ریشه این امر به چه مسائلی بازمی‌گردد؟ با توجه به اینکه اقتصاد کشور عمدتاً در اختیار نهاد دولت است، طبیعتاً انگیزه حضور بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف از جمله انرژی کاهش پیدا می‌کند. در این مسئله دو چالش عمده وجود دارد؛ در وهله اول حکمفرمایی اقتصاد دولتی طی چندین دهه چنین میراثی را بر جای گذاشته که ما با ناترازی‌های مختلف امروز مواجهیم. در وهله بعدی نیز قیمت‌گذاری دستوری در صنایع مختلف از جمله برق مشکلات بسیاری را به بار آورده است. تا زمانی که اقتصاد رقابتی به وجود نیاید، نمی‌توان انتظار بهبود وضعیت را داشت.

• **نهاد دولت چگونه در اقتصاد دخالت می‌کند؟**
نقش و دخالت دولت‌ها در اقتصاد طی سالیان متمادی وجود داشته است. مداخله‌های گسترده دولت در تعیین قیمت‌ها، سیاست‌گذاری‌های دستوری و کنترل‌های زیاد، به مرور زمان باعث کاهش بهره‌وری و کاهش انگیزه‌های بخش خصوصی شد. این وضعیت تنها رشد اقتصادی را گند کرد، بلکه مشکلات ساختاری نظیر انحصار را نیز به وجود آورد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصاد دستوری، محدود شدن فضای رقابتی است. زمانی که دولت به‌جای بخش خصوصی تصمیم‌گیرنده اصلی در بازار باشد، شفافیت کاهش یافته و بهره‌وری افت پیدا می‌کند. علاوه بر این، تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی در حوزه‌هایی



صنعت پالایش کشور با توجه به مجموعه‌ای از عوامل مهم در معرض چالش‌هایی قرار گرفته که ضروری است، تصمیمات و اقدامات اصلاحی به‌صورت عاجل برای خروج این صنعت از وضعیت فعلی توسط دولت و مجلس اتخاذ شود. با گسترش سیاست‌های جهانی برای کاهش انتشار کربن و دستیابی به خنثی‌سازی کربن (NetZero) تا سال ۲۰۵۰ و شدت یافتن این خط‌مشی‌ها از سال ۲۰۳۰، تقاضا برای سوخت‌های فسیلی به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، انتظار می‌رود مصرف جهانی نفت از اوایل دهه ۲۰۳۰ روند کاهشی پیدا کند و تا سال ۲۰۵۰ حداقل ۳۰ درصد نسبت به سطح کنونی کاهش یابد. این روند نزولی قیمت و تقاضا، حاشیه سود و چشم‌انداز مالی پالایشگاه‌های نفت کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین تغییرات در دستورالعمل نرخ خوراک و فرآورده‌های نفتی در بهمن ۱۴۰۲، شامل سخت‌گیری‌های بیشتر در قیمت‌گذاری فرآورده‌ها، از جمله بنزین تولیدی پالایشگاه‌های داخلی در کنار کاهش قیمت‌های جهانی، موجب شد حاشیه سود خالص پالایشگاه‌ها در نیمه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته، به‌طور میانگین بیش از ۵۰ درصد کاهش یابد. در حال حاضر حاشیه سود خالص برخی از پالایشگاه‌های بزرگ کشور حدود دو تا سه درصد است که افت شدید سودآوری در این صنعت را نشان می‌دهد. به دلیل عدم پرداخت به‌موقع مطالبات پالایشگاه‌ها (بالغ بر ۱۲۵ همت) از سوی دولت و کاهش نقدینگی ناشی از عوامل پیش‌گفته، بخش عمده‌ای از منابع مالی لازم برای توسعه و بهبود فناوری‌های تولید و افزایش کیفیت فرآورده‌ها با ابهام مواجه است. با توجه به شرایط اقتصادی و محدودیت‌های مالی دولت، این بدیهی‌ها به مرور زمان افزایش یافته و امید اندکی برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای باقی ماند. صنعت پالایش نفت از جمله صنایعی است که دولت تنها قیمت و کیفیت خوراک ورودی آن را کنترل می‌کند، بلکه بر قیمت و نحوه توزیع محصولات آن نیز نظارت مستقیم دارد. با افزایش ناترازی انرژی در کشور و کاهش توان مالی دولت، به نظر می‌رسد سیاست‌ها به‌جای تمرکز بر سودآوری پالایشگاه‌ها، تأمین امنیت انرژی را در اولویت قرار داده و به‌همین دلیل محدودیت‌های بیشتری به این صنعت تحمیل خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به حضور سهام عدالت در ترکیب سهام‌داری برخی از پالایشگاه‌ها مثل تهران، کشمکش‌های به‌وجود آمده بین شرکت ملی پالایش و پخش و کانون سهام عدالت نیز خود بر بالاتکلیفی نظام مدیریتی در این صنعت دامن زده است. بسیاری از سودهایی که در صورت‌های مالی پالایشگاه‌ها نشان داده می‌شود، به دلیل نرخ استهلاک نزدیک به صفر و عدم تجدید ارزیابی دارایی‌ها، به‌طور واقعی در حساب‌های بانکی آن‌ها وجود ندارد. این موضوع باعث شده که بسیاری از پالایشگاه‌ها در تأمین نقدینگی برای عملیات روزانه و طرح‌های توسعه‌ای خود با مشکلات جدی مواجه شوند. مطالبات زیاد سهام‌داران (که عمدتاً صندوق‌های بازنشستگی هستند) در موضوع افزایش درصد تقسیم سود نیز منجر به تشدید این کمبود نقدینگی شد. با توجه به چشم‌انداز پرچالش این صنعت، به سهام‌داران شرکت‌های پالایشی توصیه می‌شود که با فوریت، رویکرد سرمایه‌گذاری خود را به سمت هلدینگ‌های پتروپالایشی و همچنین انرژی تغییر داده و سرمایه‌گذاری‌های خود را هم به سمت پایین‌دست و هم به سمت حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر سوق دهند. در چنین وضعیتی، نقش سیاست‌گذاران در ایجاد یک بستر پایدار و حمایت‌کننده برای این صنعت بسیار حیاتی به شمار می‌آید. تمرکز دولت بر تنظیم‌گری صحیح و کاهش دخالت‌های غیرضروری، به‌جای تصدی‌گری و واسطه‌گری مستقیم در بخش پالایش می‌تواند به ایجاد تعادل و ثبات در بازار کمک کند. حمایت از پالایشگاه‌ها در مسیر انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به نفت خام، به‌عنوان یک راهبرد ملی بلندمدت و میان‌مدت به کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و از همه مهم‌تر کاهش ناترازی انرژی در کشور یاری می‌رساند.

دادوستد سرمایه‌گذاران خارجی در بورس تهران

تهران به دلیل رشد اقتصادی بالقوه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای افراد جذابیت دارند. هرچند این بازارها ریسک‌های خاص خود را دارند، اما بازدهی بالاتر می‌تواند آن را جبران کند. «

این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اینکه دولت در سال‌های اخیر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلاش کرده و محدودیت‌ها و مقررات را کاهش داده، توضیح داد: «این امر، ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بازار سرمایه ایران را تسهیل کرد و جذابیت آن را افزایش داد. همچنین در صورت بهبود شرایط اقتصادی و رفع برخی محدودیت‌های بین‌المللی، بازار سهام این پتانسیل را داراست که افزایش قابل‌توجهی را تجربه کند. این پتانسیل صعود، یک فرصت بزرگ برای سرمایه‌گذاران خارجی به‌شمار می‌آید. «

جوکار با بیان اینکه ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بورس تهران باعث افزایش نقدینگی و رشد حجم معاملات می‌شود گفت: «این مسئله به تقویت بازار و بالا رفتن ارزش سهام شرکت‌ها منجر می‌شود و در نتیجه، اعتماد توسعه شرکت‌ها، رونق تولید و اشتغال و بهبود عملکرد اقتصادی کشور می‌شود. حضور این عده، به‌ویژه در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، برای انتقال دانش، فناوری و مهارت‌های مدیریتی به کشور اثربخش است. همچنین این انتقال دانش و تکنولوژی موجب بالا رفتن بهره‌وری و کارایی شرکت‌های ایرانی خواهد بود. «

این کارشناس اقتصاد با اشاره به اینکه با ورود سرمایه‌های خارجی به بورس تهران، تقاضا برای ریال افزایش می‌یابد، بیان کرد: «این مسئله به تثبیت و تقویت ارزش پول ملی کمک می‌کند و تأثیر مثبتی بر کنترل تورم و افزایش قدرت خرید مردم می‌گذارد. از طرفی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به بازار سهام، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی را کاهش و به دولت اجازه می‌دهد تا منابع درآمدی متنوع‌تری به‌دست آورد. این تنوع درآمدی، به پایداری بیشتر اقتصاد کشور در برابر نوسانات قیمت نفت کمک خواهد کرد. «



خارجی در بورس تهران با افزایش روبه‌رو شد و به مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان رسید. حال باید دید که در سال جاری آیا این روند صعودی نیز همچنان ادامه می‌یابد.

مزایای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بورس
نوید جوکار، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با آتی‌نو با اشاره به اینکه به دلیل نرخ تورم بالا دارایی‌های ریالی مانند سهام در ایران قادرند افزایش چشمگیری داشته باشند، گفت: «برای سرمایه‌گذاران خارجی که با ارزهای قوی‌تر وارد این بازار می‌شوند، این رشد می‌تواند بازدهی قابل‌توجهی ایجاد کند. از سویی، در مقایسه با بازارهای بین‌المللی، ارزش‌گذاری سهام شرکت‌های ایرانی نسبتاً پایین است. این امر به سرمایه‌گذاران خارجی فرصت می‌دهد که با هزینه کمتری، سهام شرکت‌های معتبر و با سابقه را خریداری کنند.

او افزود: «بورس تهران شامل شرکت‌های متنوعی از صنایع مختلف مانند نفت، گاز، پتروشیمی، معدن، فلزات، بانکداری و فناوری اطلاعات است. این تنوع، امکان مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد. «
جوکار ادامه داد: «بازارهای در حال توسعه مانند بورس

خارجی به تدریج و با نوسانات کمی افزایش یافت و به ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان رسید. در این دوره، رشد سرمایه‌گذاران چندان چشمگیر نبود و بورس تهران هنوز به‌عنوان یک بازار جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی مطرح نبود. این روند صعودی، اما آهسته تا سال ۱۳۹۷ ادامه یافت، به‌طوری‌که ارزش خرید و فروش سهام توسط سرمایه‌گذاران خارجی به حدود ۱٫۴۰۰ میلیارد تومان رسید. اگرچه این اعداد نشان‌دهنده یک روند صعودی تدریجی است اما به‌طور کلی نوسانات کمی در این دوره وجود داشت و جذابیت بازار سرمایه ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی هنوز در مراحل اولیه خود بود. این رقم در سال ۱۳۹۸ به حدود دو هزار میلیارد تومان ارتقا یافت. در سال ۱۳۹۹ اما، ارزش معاملات سهام توسط سهام‌داران خارجی به حدود ۹٫۶۰۰ میلیارد تومان رسید که نسبت به سال‌های قبل یک جهش بزرگ محسوب می‌شود. این رشد چشمگیر احتمالاً به دلیل بهبود وضعیت بازار سرمایه و جذاب‌تر شدن سرمایه‌گذاری در ایران برای خارجی‌ها بود. این پروسه در سال ۱۴۰۰ مقداری کاهشی شد و به ۶٫۵ هزار میلیارد تومان تنزل یافت. در ادامه و طی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، دوباره ارزش داد و ستد سرمایه‌گذاران

گزارش
طبق داده‌های مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار، تعداد کدهای صادر شده برای

سرمایه‌گذاران خارجی در ۱۲ سال گذشته از ۱۳۷ کد در سال ۱۳۹۰ به ۴۸۶۲ کد تا پایان سال ۱۴۰۲ رسید.
از این تعداد، به تفکیک ۱۵۶۴ نفر مربوط به سهام‌داران حقوقی و ۳۲۹۸ نفر مربوط به سهام‌داران حقیقی خارجی بود. افغانستان با ۱۵۰۰ سهام‌دار در صدر فهرست سرمایه‌گذاران خارجی بازار سرمایه ایران قرار دارد. این تعداد بالا نشان‌دهنده علاقه افغانستانی‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران است و می‌تواند به دلیل نزدیکی فرهنگی و جغرافیایی دو کشور باشد. پس از افغانستان، ایرانی‌های مقیم خارج با هزار سهام‌دار در جایگاه دوم هستند که نشان می‌دهد برخی از اتباع ایرانی مقیم خارج نیز به بازار سرمایه داخلی تمایل دارند. عراق با ۴۴۱ سهام‌دار در رتبه سوم قرار گرفته که بیانگر علاقه کشورهای همسایه به سرمایه‌گذاری در ایران است. همچنین، امارات با ۳۱۳ و ترکیه با ۱۹۶ سهام‌دار در رده‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، عمان و سوریه هرکدام با ۶۴ سهام‌دار کمترین تعداد سرمایه‌گذاران را دارند. گزارش حاضر نشان می‌دهد که بازار سرمایه به‌طور عمده مورد توجه سرمایه‌گذاران حقیقی از کشورهای همسایه قرار گرفته و این موضوع گامی مثبت در جهت جذب سرمایه خارجی تلقی می‌شود. با اصلاحات لازم در قوانین و ارائه بسترهای شفاف، می‌توان امیدوار بود که بورس در آینده به مقصد جذاب‌تری برای سرمایه‌گذاران خارجی تبدیل و از پتانسیل کامل خود بهره‌مند شود.

ارزش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بازار سرمایه
طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱، ارزش خرید و فروش سهام توسط سهام‌داران خارجی در بازار سرمایه شاهد تغییرات چشمگیری بود. این تغییرات، به‌ویژه در سال‌های پایانی این دوره، بازتابی از جذابیت بورس تهران است که توانسته نظر سرمایه‌گذاران خارجی را به خود جلب کند. در سال ۱۳۹۰، ارزش معاملات سهام اتباع خارجی در بازار سرمایه حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بود. این عدد در سال ۱۳۹۱ نیز تکرار شد. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴، ارزش معاملات سرمایه‌گذاران